

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@afgazad.com](mailto:afgazad@afgazad.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش:

امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان

و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی

## دموکراسی غربی و اسلام



به فهم ما اسلام با دموکراسی مشکلی ندارد، ولی بالعکس این فهم معین غیر موجه دموکراسی است که با اسلام ایجاد مشکل میکند.

فهم درست و به جاء از دیموکراسی به معنای حاکمیت مردم و شناخت دقیق از اسلام مشاغل زیاد جهان امروز و سوء تفاهمات را برطرف نموده و زمینه های زندگی باهمی کلتور های مختلف جهان را با ارزش ها مختلف معنوی شان در فضای صلح و زیست با همی، هماهنگی، تفاهم نیک تعقل و تدبیر مهیا ساخته و سبب جلوگیری دهها تراژیدی عصر امروز در جوامع بشری امروزی شده میتواند. رمز و کنه زندگی و زندگی با سعادت، رفاه و زندگی در صلح در همین فهم دقیق و درست از حدود و ثغور دموکراسی و حاکمیت مردم با در نظر داشت و مطابقت دادن آن با اولویت های ارزشهای جوامع مختلف بشری - ممکن است.

پیشنهاد من به متفکرین و تیورسن های مد افعین دموکراسی و علماء جهان اسلام روشن ساختن تعریف واضح، صریح و قابل فهم در مورد اسلام واقعی و هم در مورد فهم واضح روشن و صریح از دموکراسی امروزی، حدود و ثغور و روشن ساختن سفارش های شان برای عالم بشریت میباشد.

پیشنهاد مشخص من برای علماء، و تیورسن هایی که خواهان تطبیق بدون چون و چرای دموکراسی و آزادی؟! در جهان اسلام اند، اینست که اگر زحمت نمیشود یکبار با دید واقعی، دین اسلام را با دقت تام مورد مطالعه قرار

دهند، و از آن شناخت کامل به دست آرند. بعداً در جستجوی تطبیق نظریات دموکراتیک؟! خویش در جهان اسلام گردند .

من بین باور و عقیده ام که اگر این دانشمندان از اسلام شناخت کامل و درک سالم به دست آرند خود به این نتیجه خواهند رسید که اسلام با دموکراسی که اینجا و آنجا زمره میشود، حدود و ثغور آن معلوم نیست، تعریف مشخص از آن نداریم - در جهان اسلامی با تصویری که دارند قابل تطبیق و جمع نبوده و در نهایت از به راه انداختن شعار تطبیق دموکراسی به آن نحوی که میشنویم و میبینیم در جهان اسلام و جامعه اسلامی و به خصوص کشور عزیز ما افغانستان دست بردار خواهند شد.

با این مقدمه مختصر و مؤجز میخوامم معلومات و نظریاتی را در مورد دموکراسی غربی در جهان اسلام خدمت شما خوانندگان محترم به عرض برسانم .

### داستان دموکراسی

#### تعریف دموکراسی:

دموکراسی اصلاً اصطلاح یونانی است و از ریشه "demos" به معنای مردم و "kratos" یا "cratia" به معنای حکومت اخذ شده و به معنای حکومت مردم می‌باشد.

دانشمندان برای دموکراسی معانی گوناگونی ارائه داشته‌اند . به طور یقین به همه صداقت خدمت شما به عرض میرسانم که من تا امروز نتوانستم به یک تعریف (اصطلاحی) روشن ، معین ، مشخص ، و فوراً ملبندی شده و تعریف که دارای حد و مرز مشخص (که مورد قبول همه باشد) از دموکراسی بدست آورم .

هر یک از دانشمندان مطابق دید و ذوق خود، مطابق پیش فرض‌های دایره فکری خویش تعریف اصطلاحی را از دموکراسی ارائه داشته‌اند .

علماء و دانشمندانی که درباره دموکراسی تحقیق نموده‌اند ، هر یک به اعتباری خاص و از زاویه‌ای به آن نگریسته و آن را به انواع و اقسامی تقسیم کرده‌اند .

به طور مثال ( دیوید هلد ) بر تحقیقاتی که بر مورد دموکراسی بعمل آورده است یازده نوع دموکراسی را برای عالم بشریت پیشکش نموده است . که از جمله میتوان از : دموکراسی کلاسیک، دموکراسی حمایتی، دموکراسی تکاملی رادیکال، دموکراسی حقوقی و... نامبرد .

همچنان ( ساموئل هانتینگتون ) امواج سه‌گانه برای دموکراسی بر می‌شمارد که هر کدام در زمانی ظهور نموده و ( بر تراندر راسل ) در تحقیقات خویش شش نوع دموکراسی را بیان نموده است.

پس ملاحظه میفرمایید که در مورد دموکراسی معرکه‌ای از آراء و انظار است که بسیار با هم متفاوت می‌باشد و حتی تحقیقات علماء نشان میدهد که در بسیاری از اوقات معانی متضاد را هم بیان داشته‌اند .

#### ظهور دموکراسی :

دانشمندان و علماء در تحقیقاتی که در مورد دموکراسی بعمل آورده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه بشر امروز در مورد دموکراسی میداند فهم مکرراسی اساساً سه مرحله پشت سر خود گذشتانده است ، تا اینکه دموکراسی امروزه بدین شکل به پختگی خویش رسیده است.

#### مرحله اول:

##### مرحله اول دموکراسی مرحله دموکراسی کلاسیک است :

این مرحله ای از دموکراسی تقریباً در حدود پنج قرن قبل از میلاد در آتن (پایتخت یونان) آغاز یافت . یکی از خصوصیات عمده دموکراسی کلاسیک در این بود که مردم دخالت مستقیم در امور حکومتی داشتند . این شیوه از دموکراسی ابتدا در یکی از شهرهای یونان مورد اجرا قرار گرفت مگر بعد از مدتی قبل از اینکه جنبه عملی دقیقی برای خود بگیرد، بنابر عوامل متعددی منقرض گردید .

در این شیوه از دموکراسی، همه مردم به جز غلامان و افراد زیر بیست سال می‌توانستند در امور سیاسی حکومت مستقیماً دخالت داشته باشند .

این شیوه علاوه بر آن که مخالفت قاطعانه فیلسوفان و اندیشمندان را با خود داشت، در عمل مشکلات زیادی را در جامعه به بار آورد . بنابر همین منوط بود که دموکراسی کلاسیک چندان عمر طولانی نداشت و از بین رفت .

#### مرحله دوم:

با تزیید و گسترش شهرها و محلات مسکونی و از جانب دیگر پیچیده‌تر شدن مسائل اجتماعی، دموکراسی کلاسیک نقش خویش را آهسته ، آهسته از دست میدهد . چون دخالت مستقیم مردم در تمام امور جامعه و در همه عرصه های دولتی و اداری غیر ممکن و غیر عملی بود. بناءً علماء بخاطر حل این بحران شکل دیگری از دموکراسی را مورد اجراء و مورد تطبیق قرار دادند . در این شکل از دموکراسی ، شیوه دخالت مردم در حکومت به وسیله انتخاب نمایندگان گوناگون (دموکراسی غیر مستقیم) صورت می‌گیرد.

این شیوه از دموکراسی تقریباً در بسیاری از کشورهای جهان و از جمله در کشور ما افغانستان به شکلی از اشکال

تطبيق ومورد اجرا قرار ميگيرد، مردم در انتخابات پارلماني و رياست جمهوري با در نظر داشت مشکلات معين سهم ميگيرند .

با تمام صراحت بايد بعرض برسانم كه در اين نوع از دموكراسي دين مقدس اسلام كدام مشكل را نمي بيند ، البته با شرايطي ، چرا كه اسلام براي حكام، قانون گذاران و مجريان قانون شرايط خاص خود را دارد. بلي در جامعه اسلامي مردم انتخاب خويش و ارزش هاي خويش را دارند و آنرا انتخاب نموده و اولويت خواهند داد.

دين مقدس اسلام انتخابات را كه در جهت تعيين رهبر وزعيم براي نظارت امور مسلمين براه انداخته ميشود، مخالفت نمينمايد ، بلكه آنرا تاييد نموده و انتخابات را ابزار و وسيله اي ميداند كه بوسيله آن ميتوان اراده ملت را در تعيين زعيم وقاعد مسلمين جمع اوري ومعلوم ساخت .  
با صراحت بايد گفت كه : انتخابات به عنوان عاليترين مظهر حضور مردم در عرصه سياسي و مهمترين مجرياي تحقق حاكميت مردم بحساب مي آيد .

راي دهنده در انتخابات ضمن راي دادن كه عمل حقوقي- سياسي محسوب مي شود در حقيقت با برگزیدن نماينده و يا نمايندگان در اداره امور سياسي جامعه خود مسقيماً مشاركت ميكند. پروسه انتخابات عبارت از پروسه اي است كه اعضايي يك مجتمع به صورت مستقيم و غير مستقيم در شكل دادن به سياست عمومي كشور وامور مسلمين دخالت داده ميشود .

برگزاري انتخابات احساس و مسؤليت نظام در مقابل خواست هاي جامعه را افزايش ميدهد. انتخابات موجب افزايش احساس مسؤليت حاكمان در مقابل خواست هاي جامعه ميشود

يكي از سفارشات مقدس دين مبين اسلام مشورت و هم انديشي است كه در همه ابعاد زندگي فردي و اجتماعي به آن توصيه شده است . بعلت اهميت مشورت در اسلام خداوند كريم سوره شورا را بر پيامبر وحى نمود تا بر اين مسأله تاكيد بيشترى داشته باشد . "و امرهم شوري بينهم؛ امور جامعه بايد به شورا واگذار شود" سوره شورا آيه : ۳۸ ) همچنان پروردگار ما در سوره آل عمران آيه : ۱۵۹ ميفرمايد : « و شاورهم في الامر فاذا عزمتم فتوكل على الله » « اي پيامبر، در كارها با مسلمانان مشورت كن و هنگامى كه تصميم گرفتى ، بر الله توكل كن و اقدام نما . »  
پيامبر گرامى اسلام در كارهاي مهم اجتماعي با افراد بصير و آگاه و ديندار و كساني كه مورد اعتماد او بودند مشورت و چاره انديشي مي فرمود و بهترين آراء را انتخاب مي نمود وبه مساعدت اصحاب كرامش به آن عمل مي نمود .

در قرآن عظيم الشان هم فكري صميمانه و مشورت كردن ، يكي از نشانه هاي جامعه اسلامي محسوب مي شود .  
« مومنان كار هایشان را با مشورت بين خودشان انجام مي دهند »

و در نهايت امر انتخابات يعني دخالت مستقيم مردم در سرنوشت كشور ، و خداوند فرموده ما سرنوشت هيچ قومي را تغيير نمي دهيم مگر آنچه خودشان اراده كنند.  
ولي نقطه اي را كه ميخواهم در اين نوشته بدان تاكيد نمايم اينست كه :

تفاوت روش شكل گيري مشروعييت در حقوق اسلامي و حقوق مدرن (اروپايي) در آن است كه در حقوق اروپايي، مشروعييت به وسيله مردم به اعتبار حاكميتي كه دارند، ايجاد مي شود و ابزار اجرائي آن راي گيري و انتخابات و امثال آنهاست.

اما در حقوق اسلامي مشروعييت حاكميت سياسي به وسيله مردم مسلمان است كه مردم مسلمان ميتوانند با ايجاد و پيشگيري ابزار اجرائي آن يعني راي گيري و انتخابات و امثال آنهاست؛ مشروعييت را در روشني احكام الهي، با رعايت از راه و دساتير آيات قرآن و سنت پيامبر صلي الله عليه وسلم تعيين و انتخاب ميدارند. يعني مسلمانان در جامعه اسلامي روشي را كه خداوند متعال براي افراد و جوامع وضع کرده پيروي کرده و تصميم خويش را در روشني آن اتخاذ ميدارند . بنا بر اين، مردم و نقش شان در ايجاد مشروعييت حاكميت سياسي متكي به اصول و قواعد الهي است. مرجع قانون گذاري نيز در چوكات همين دساتير الهي عمل ميدارد و به تفسير از منابع اصلي ديني يعني قرآن كريم، سنت پيامبر محمد صلي الله عليه وسلم ، اجماع امت و قياس استفاده ميبرند .

#### مرحله سوم:

مرحله سوم دموكراسي عبارت از شكل وشيوه نواز دموكراسي است . اين نوع از دموكراسي همين حالا در كشور هاي غربي رايج ومعمول بوده است . اين نوعي از دموكراسي تقريباً به مثابه ايدئولوژي بر جوامع غربي حاكم مي باشد.

در اين شكلي از دموكراسي دين را از دخالت در امور سياسي و اجتماعي منع مي كنند و اجازه نمي دهند مجريان قانون در مقام اجراء صحبت از دين كنند. مهمتر از آن، در اين شيوه هيچ گونه التزام و پاي بندي به قوانين ديني وجود ندارد.

علماء و دانشمندان این نوع از دموکراسی را با رژیم لائیک و سکولار؛ رژیمی که به هیچ وجه به دین اجازه نمی‌دهد که در شئون سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشد، معرفی می‌دارند. بر طبق این تفسیر تمام شئون حکومت (اعم از قانون گذاری و اجرایی و عدلی) را از دین جدا پنداشته؛ یعنی به زعم اینها شرط دموکراتیک بودن سکولار و لائیک بودن است. اگر هم دینی باشد، جنبه شخصی دارد ارتباطی بین دین و جامعه و سیاست نیست و دین حق هیچ گونه دخالتی در امور اجتماعی ندارد.

اینها تأکید دارند که دین مسأله شخصی فرد بوده و می‌تواند هر وقت دلش خواست به مسجد رفته، نماز بخواند، روزه بگیرد، دین در تولد نوزاد، در مرده داری، در قبرستان و یا هم در مراسم عقد نکاح مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند. اما در حکومت و سیاست معیار مشروعیت قانون، رأی مردم، یا رأی اکثریت مدار اعتبار شمرده می‌شود.

در زیادتاری از اوقات چنین وضع پیش می‌آید که بر اساس رأی اکثریت مردم بدترین قوانین را که خلاف دین و فطرت انسانی است، نیز به تصویب رسانید، و در جامعه به اجرا درآورد، اگر چه واقعاً و حقیقتاً رأی اکثریت در بسیاری موارد وجود ندارد، مثل ازدواج با هم جنس و ثبت رسمی آن در برخی کشورهای غربی و قانون سقط جنین که کلیسا با آن نیز مخالفت نموده است.

معماران و مفکرین این نوع از دموکراسی، اسلام را یک نظام پدرسالاری بشمار می‌آورند. از جمله مشهورترین مفکر و تیورین این نوع از دموکراسی بنی موریس (Benny Morris) دانشمند مشهور اسرائیلی است: او در همه ای مقالات و تحلیل های آکادمیک خویش با صراحت تام مینویسد که: «اسلام متضمن جهانی است که در آن، حیات بشری ارزشی به اندازه ارزش در غرب ندارد و آزادی، دموکراسی، باز بودن فضاء و خلاقیت با چنین جهانی بیگانه‌اند».

ولی من خدمت خوانندگان محترم با تمام قوت بعرض میرسانم که فهم بنی موریس اسرائیلی در مورد شناخت از احکام دین مقدس اسلام بخطا رفته است. دین اسلام دینی است که در مسیر تکامل حرکت مینماید و تلاش و کوشش را تنها وسیله دستیابی به خیر و برکت و پیشرفت مادی و معنوی معرفی میکند. دین اسلام دینی است که با دگرگونی شرایط و اوضاع و احوال و تطور زمان و تغییر مکان قابل انطباق است و پاسخگویی نیاز های فطری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بطور خلاصه پاسخگویی نیاز های مادی و معنوی بشری است.

دین اسلام دینی است که تضمین کننده دنیا و آخرت است. دین اسلام دینی است که علاوه بر برنامه‌های دقیق برای سعادت فردی، در بردارنده برنامه و اصول جامع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... می‌باشد. دین اسلام مختص به مسجد، نکاح و قبرستان نیست، بلکه دین اسلام در صحنه زندگی اجتماعی نیز حضور کامل دارد. با صراحت تام گفته می‌توانیم که اسلام برای همه چیز و برای همه شئون و همه عرصه های زندگی طرح و پروگرام منظم و منطقی دارد. در احکام مقدس اسلام، امور سیاسی و اجتماعی و عبادتی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و برای تمام این عرصه ها ی زندگی دساتیر و رهنمایی های وجود دارد. فقه اسلامی مشتمل بر عبادات و معاملات است. اسلام طرح منظمی برای زندگی و حکومت و حکومت داری دارد. دین اسلام هم سیاست است و هم حکومت. اسلام یک حکومت است که یک جنبه اش حکومت سیاسی و جنبه دیگرش حکومت معنوی است. اسلام یک دین عبادتی- سیاسی است که در امور سیاسی اش عبادت منظم است و در امور عبادی اش سیاست.

در دین مقدس اسلام قاعده ای وجود دارد بدین معنی که دین اسلام همه راه ها و روش ها را که در خدمت تکامل و پیشرفت جامعه و عالم بشریت باشد، آنرا مورد تأیید قرار میدهد بشرط آنکه **حلال اسلام را حرام قرار ندهد و حرام اسلام را حلال**. یعنی در آنچه‌ای که نص و حکم اسلامی صراحت دارد ضرورت به اصطلاح استخاره تغییر صراحت حکم نیست و این تغییر جواز ندارد و حرام میباشد. این بدان معنی نیست که همه دستاورد های جوامع بشری و انستیتوت های معین دموکراسی مورد تردید دین مقدس اسلام است. دموکراسی در جامعه اسلامی به مفهوم مراجعه به اراء عامه در چوکات شریعت اسلامی مورد تأیید دین مقدس اسلام است. همانطوریکه که گفته آمدیم در دین اسلام حکم اسلامی به اساس **کتاب الله و سنت نبوی** استوار است و شارع و حاکمیت مطلق در دین اسلام از آن پروردگار است.

بناء دین اسلام در همه عرصه های زندگی بشر اعم از امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و ... دخالت تام و مستقیم دارد و عقل و علم در سایه هدایات اسلامی مناسبات اقتصادی و سیاسی جامعه را سامان می بخشد.

اسلام، اساساً دین اجتماعی است و فقط به بعد (به ضم ب) فردی انسان توجه ندارد. این دین با اصول و ارزش های عالیش مطابق به حکم صریح قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم انسانها را به زندگی اجتماعی دعوت نموده و ارشادات خاصی در این زمینه به پیروان خویش ارائه داشته است. در تفکر سکو لاریستی، هدف دولت تلاش برای حفظ حاکمیت و ایجاد موازنه میان آزادی و عدالت است. یعنی این که چه باید کرد که آزادی های فردی محدود نشود و قدرت حاکمان چگونه کنترل شود که مخل (به ضم میم و کسره خ) به آزادی افراد (آزادی که خودشان تفسیر می کنند) نباشند؟ در حالیکه انسان نورمال خوش است که در محدودیت های معین پدری، مادری، خواهری، بزرگی و خورد و یکسلسه چوکاتها و محدودیت ها و ارزشهای معین باشد.

اما در تفکر اسلامی، هدف از سیاست و حاکمیت، احیای دین و سنت های الهی، اقامه عدل، قسط انصاف است. اجراء و تطبیق قوانین الهی برای ایجاد امنیت و فراهم ساختن زمینه ای جهت رشد مادی و معنوی، و نجات انسان از تاریکی بسوی نور، اصلاح جامعه، مبارزه با بدعت های ناروا، تعلیم و تربیه درست و سالم، احقاق (به کسر ا) حقوق انسان بخصوص ضعفا و در نهایت دستیابی به فضیلت، کمال و معرفت است. خداوند متعال می فرماید:

«قد جاءكم من الله نور و کتاب مبین، یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنہ و یهدیهم الی صراط مستقیم» (مائده: ۱۵-۱۶)

«از جانب پروردگار نوری (که پیغمبر است و بینشها را روشن می بخشد) و کتاب روشنگری (که قرآن است و هدایت بخش انسانها است) به پیش شما آمده است.»

خداوند به برکت آن، کسانی را به راههای امن و امان (از ترس و هراس دنیا و آخرت) هدایت می کند که خواستار خشنودی او باشند، و با مشیت و فرمان خود آنان را از تاریکی ها و ظلمت ها (کفر و جهل) بیرون می آورد و به سوی نور (ایمان و علم) می برد و ایشان را به راه راست هدایت و رهبری می کند.»

از دید اسلام حکومت وسیله است و نه هدف، و هدف از آن به کمال رساندن انسان است. هدف اسلام حفظ سیادت انسان بوده و هم توجه خویش را به حقوق بشر معطوف ساخته و رعایت آنرا واجب می داند.

آیات قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم اساس و تهباب سیاست دین مقدس اسلام را تشکیل میدهد. اعتقاد و عمل بر آن را جزئی از قلمرو ایمان و بخشی از مجموعه تعالیم اسلام و حیات یک مسلمان می شمارند. به طوری که در تفکر قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم تفکیک اندیشه و عمل سیاسی از ایمان و اسلام، و از زندگی اجتماعی مسلمانان امکان پذیر نیست.

در قرآن عظیم الشان آیات متعددی بر این امر تاکید میدارد که وضع قانون و حاکمیت مطلق از آن پروردگار بوده و ما انسانها مجربان این قانون در روی زمین می باشیم.

۱- «ان الحكم الا لله یقض الحق و هو خیر الفاصلین» (انعام ۵۷) (فرمان جز در دست خدا نیست. خدا به دنبال حق می رود) و کار هایش برابر حکمت انجام میشود. لذا اگر خواست عذاب واقع می گردد و اگر نخواست عذاب واقع نمی شود) و او بهترین (قاضی میان من و شما و جدا کننده) (حق از باطل) است.

۲- «له الحمد فی الاولی و الاخرة وله الحكم» (قصص ۷۰)  
(فرماندهی و داوری از آن اوست و به سوی او باز گردانده می شوید. (او خالق، او حاکم، و او قاضی است).

۳- «مالهم من دونه من وال» (رعد ۱۱) (ولی هنگامیکه خدا بخواهد بلایی به قومی برساند هیچ کسی و هیچ چیزی نمی تواند آن را (از ایشان) برگرداند، و هیچ کس غیر خدا نمی تواند یاور و مدد کار آنان شود).

۴- «ان الحكم الا لله امر الاتعبدوا الا اياه ذلک الدین القیم» (یوسف ۴۰)  
(فرمانروایی از آن خدا است و بس (این، اوست که بر کائنات حکومت میکند و از جمله عقاید و عبادات را وضع می نماید). خدا دستور داده است که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابتی (که ادله و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند).

همچنان قرآن عظیم الشان هدایات خاصی را برای پیروان خویش هدایت فرموده است: و می فرماید: آنچه از حکومت که مخالف شرع است نباید از آنها اصلاً متابعت صورت گیرد، و حتی دین اسلام امر بر سر نگوئی و مقابله به همچو حکومت را نموده است:

بطور مثال خداوند پاک در (آیه: ۶۰ سوره نساء) می فرماید: «پریدون ان یتحاكموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به» (می خواهند داوری را به پیش طاغوت ببرند) و حکم او را به جای حکم خدا بپذیرند؟! (و حال آنکه بدیشان فرمان داده شده است که (به خدا ایمان داشته و) و به طاغوت ایمان نداشته باشند).

وحتى قرآن در برخی از آیات پیروان خویش را به مقابله رو در رو در مقابل حکومت طاغوتی مخالف اسلام دعوت نموده است. از آنجمله میتوان از آیه ۱۷ سوره نازعات که به حضرت موسی علیه السلام وظیفه داد تا به مبارزه رو در رو با فرعون بپردازد. « اذهب الی فرعون انه طغی » (به سوی فرعون برو که او سر کشی کرده و باغی میباشد.)

همچنان قرآن عظیم الشان حکمران خویش را به پیروی از دین اسلام و احکام قرآنی دعوت نموده و حکام اسلامی که از این حکم اسلامی و هدایات صریح قرآن سر پیچی می نمایند آنان را قرآن : **فاسق ، کافر و ظالم خطاب نموده اند :**

« ومن لم یحکم بما انزل الله فالنک هم الکافرون » ، « الظالمون » ، « الفاسقون » (مانده : ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۷ ) ( و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده است قضاوت و داوری نکنند، آنان خود (کافرند) ، (ظالمند) ، (فاسق). قرآن عظیم الشان در خطاب به پیامبر اسلام می فرماید :

« انا انزلنا الیک الکتاب با لحدق لتحکم بین الناس بما ار اک الله » ( نسا ۱۰۵ )  
( ما کتاب ( قرآن را که مشتمل بر حق و بیانگر هر آن چیزی که حق است ) به حق بر تو نازل کرده ایم تا ( مشعل راه هدایت باشد و بدان ) میان مردم طبق آنچه خدا به تو نشان داده است قضاوت و داوری کنی . )  
همچنان در قرآن عظیم الشان از حکومت و رهبری و اعطای ملک و پادشاهی به برخی از پیامبران مانند : حضرت داود علیه السلام ، سلیمان علیه السلام ، ابراهیم علیه السلام ، لوط و ... سخن به میان آمده است . که ذکر همچو داستان ها در قرآن خود مبین وحدت و عینیت عملی دین و سیاست است .  
« یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی ... » ( ص : ۲۶ ) ( ای داوود ما تو را در زمین نماینده ( خود ) ساخته ایم ( و بر جای پیغمبران پیشین نشان داده ایم ) پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن . )

« فقد ء اتینا ء ال ابراهیم الکتاب والحکمة و ء اتینهم ملکاً عظیماً » ( نسا : ۵۴ )  
( ما که به حضرت ابراهیم علیه السلام کتاب ( آسمانی ) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی داده ایم ( مانند : سلطنت یوسف در مصر ، و پادشاهی داوود و سلیمان در شام ) .

همچنان قرآن عظیم الشان اطاعت از رسول و ولی امر را بر مسلمانان واجب نموده ، میفرماید :  
« یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و واولی الامر منکم » ( نسا ۵۹ ) ( ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا ( با پیروی از قرآن ) و از پیغمبر ( خدا محمد صلی الله علیه و السلام با تمسک به سنت او ) اطاعت کنید. و از ولی الامر مسلمان خود فرمانبرداری و اطاعت نماید . ( مادامیکه دادگر و حقیقرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشد . )

با توجه به آیات قرآنی که فوقاً بدان اشاره بعمل آمد به وضاحت تام ثابت میگردد که در دین مقدس اسلام ، دین و حکومت جدا ناپذیر بوده و حاکمیت مطلق از آن خدا میباشد.

در دین اسلام فقط یک قانون وجود دارد آن قانون الهی و آسمانی است. تلاش و کوشش تنها وسیله دستیابی به خیر و برکت و پیشرفت مادی و معنوی است. دین اسلام دینی است که در مسیر تکال حرکت مینماید.  
دین اسلام دینی است که با دگرگونی شرایط و اوضاع و احوال و تطور زمان و تغییر مکان قابل انطباق است و جوابگوی نیاز های فطری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بطور خلاصه پاسخگوی نیاز های مادی و معنوی بشری است.

اصلاح زندگی دینوی و اخروی بشر، هر دو مورد توجه دین اسلام بوده و هست، هر چند این دو هدف در طول یکدیگر قرار دارند و با یکدیگر تعارض و تزاومی ندارند.

دنیا از دید دین مقدس اسلام مقدمه آخرت است و راه است نه مقصد. دین اسلام به این معتقد است که بدون اصلاح راه و تحمیل مقدم نمی توان به مقصد رسید و ذی المقدمه را بدست آورد. دین اسلام روش خاص برای زندگی دینوی است که مصلحت دینوی بشر را در جهت اكمال اخروی و حیات ابدی او تأمین میکند .

پایان

نام مقاله : دموکراسی غربی و اسلام

تتبع و نگارش: امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

۲۰۰۹